

آغاز سربه عبدالله بن انیس

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطلاع داده شد که سفیان بن خالد لحنی در منطقه "عُرْتَه" (مکانی در نزدیکی‌های عرفات) اردو زد ...



به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطلاع داده شد که سفیان بن خالد لحنی در منطقه "عُرْتَه" (مکانی در نزدیکی های عرفات) اردو زد و مردان قبیله خود و بسیاری از مخالفان و دشمنان اسلام را گردآورد و آماده هجوم به سوی مدینه گردیده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از یاران دلیر و رزمنده خویش، به نام "عبدالله بن انیس" را به حضور طلبید و او را مأمور خاموش کردن این فتنه نمود. عبدالله پیش از این، هیچگاه سفیان بن خالد را ندیده بود و شکل و قیافه وی را نمی شناخت و بدین جهت، نشانی و علایم وی را از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفت و به تنهایی از مدینه بیرون رفت و بدون این که یار و یآوری با خود داشته باشد، عازم منطقه عُرْتَه شد و پس از چندین روز راهپیمایی به اردوگاه دشمن رسید و با آن نشانی هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او داده بود به راحتی سفیان بن خالد را شناسایی کرد و خود را به وی نزدیک نمود و ادعا کرد که از مخالفان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و برای نبرد با وی، به سپاه سفیان بن خالد پیوست.

عبدالله بن انیس، با گفتاری شیرین و خواندن اشعار دلنواز و گرم کردن مجلس، سفیان را به خود جذب کرد و در اندک مدتی اطمینان وی را به خود معطوف داشت. سفیان بن خالد از عبدالله بن انیس خیلی خوشش می آمد و حتی در حال استراحت نیز وی را به خیمه خویش می برد.

عبدالله بن انیس به دنبال فرصت مناسبی بود که شر این گردنکش عرب را از سر مسلمانان کوتاه کند. اتفاقاً چنین فرصتی نصیب وی گردید. در شبی که سفیان بن خالد خوابیده بود و عبدالله نیز در خیمه او بسر می برد، از بستر خویش برخاست و به بستر سفیان نزدیک شد و وی را با زیرکی تمام مورد هجوم قرار داد و با ضرباتی چند به هلاکت رسانید و سرش را از بدن جدا ساخت و از اردوگاه گریخت و به غاری در بلندی های اطراف پناهنده شد.

سپاهیان دشمن پس از اطلاع از قتل سرکرده خویش به تکاپو افتاده و از هر سو به دنبال عبدالله بن انیس به راه افتادند ولی هر چه تلاش کردند، چیزی عایدشان نگردید و به این سرباز فدایی اسلام دست نیافتند. بدین سبب، رعب و وحشتی در دشمنان پدید آمد و به ناچار پراکنده گردیدند.

عبدالله بن انیس با فراست و دلیری خاص خویش از آن غار بیرون آمد و خود را به مدینه منوره رسانید و سر بریده سفیان بن خالد را در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله به زمین گذاشت. پیامبر صلی الله علیه و آله از موفقیت وی شادمان گردید و به پاس تلاش هایش، عصای خود را به وی بخشید و به او فرمود: با این عصا در بهشت خواهی خرامید، هر چند عصاداران در بهشت اندکند. [۱]

بدین ترتیب، فتنه ای که می رفت به فساد و خونریزی بی گناهان منجر شود با تدبیر پیامبر صلی الله علیه و آله و فداکاری یک سرباز توانای اسلام در نطفه خاموش و نابود گردید.

پی نوشت ها:

1. المغازی، ج 1، ص 531.

منبع: روز شمار تاریخ اسلام، سید تقی واردی، جلد اول، ماه محرم